

آموزش غیر رسمی به مثابه فوق برنامه یا جایگزین برنامه رسمی؟

مدارس برنامه مشخصی برای آموزش دارند. این برنامه شامل تعدادی موضوع درسی است که در قالب ساعات درسی تدریس می شود. سال هاست که مدارس در کنار برنامه درسی ابلاغ شده از طرف آموزش و پرورش، فعالیت های دیگری را با نام و اشکال مختلف اجرا می کنند. عمومی ترین نام این فعالیت ها " فوق برنامه " است. با فرض این که این برنامه ها علاوه بر برنامه های ابلاغی است، این نام بر سر زبان ها افتاده است.

فوق برنامه ها طیف وسیعی از برنامه ها را شامل می شود. ساعات اضافه برای موضوعات درسی رسمی، موضوعات درسی خاص مانند باستان شناسی، موضوعات مهارتی مانند ، ورزشی، هنری، دینی، و غیره یا در قالب فعالیت های گروهی مانند روزنامه دبواری، انجمن های علمی، و غیره از جمله فوق برنامه های رایج است.

مقصد و منظور مدارس از اضافه کردن فوق برنامه ها متفاوت می باشد. گاهی هدف از آن ها تقویت دانش آموزان در درس رسمی است یا فراهم نمودن فرصتی برای دانش آموزان پیشرفته در باری یادگیری بیشتر در درس رسمی. گاهی هدف از این برنامه ها پوشش دادن به موضوعات درسی است از نظر مدرسه مهم است ولی در برنامه رسمی نیست مانند رایانه. گاهی هدف این است که مهارت هایی که از طریق درس رسمی به دست نمی آید، آموزش داده شود مانند مهارت کارگروهی، مدیریت، تنظیم روابط بین فردی، و غیره. ممکن است هدف از آن ها ایجاد تنوع و نشاط و کسب انرژی برای یادگیری دروس رسمی باشد مانند مسابقات ورزشی، جشن های خاص، و اردو ها.

در هر صورت "فوق برنامه ها" اکنون جزء لاینفک برنامه های مدارس شده است و حتی برتری و رقابت مدارس برای جذب مشتری به میزان و کیفیت ارائه فوق برنامه ها بستگی پیدا کرده است. این تاکید از طرف آموزش و پرورش و اولیاء به چه دلیل است؟ آیا فوق برنامه ها، برنامه های اضافه ای برای سهل الهضم کردن برنامه ها است؟ آیا فوق برنامه ها جاذبه ای برای دانش آموزان دارد؟ ویژگی اصلی این برنامه ها چیست؟ آیا این برنامه ها می تواند نقش متفاوتی با آنچه تاکنون داشته، داشته باشد؟

گاهی در برخی مدارس که از معروفیت بیشتری دارند با فوق برنامه ها رفتاری مشابه برنامه های رسمی می شود تا دانش آموزان به آن ها نیز اهمیت دهند. حتی گاهی نام آن را فوق برنامه نمی گذارند که شائبه اختیاری بودن آن ها را از بین ببرند. با توجه به اهمیتی که ظاهراً این فوق برنامه ها در نظر بسیاری از جمله آموزش و پرورش و اولیاء و مدرسه دارد، آیا این استراتژی به آن ها برای رسیدن به هدفشان کمک می کند؟

به نظر می رسد که عموماً دانش آموزان درس خوان علاقه ای به فوق برنامه ها ندارند مگر این که آن ها هم نمره داشته باشد و یادر کارنامه درسی آن ها نقشی داشته باشد. گاهی بچه های متوسط یا پایین تر به برنامه های فوق برنامه علاقه نشان می دهند. این تمایل گاهی برای این است که آن فعالیت را واقعاً دوست دارند (که معمولاً از طرف خانواده تحت فشار قرار می گیرند که فعالیت در آن ها محدود کنند و به درس هایشان برسند) یا از طریق آن ها می توانند نظری را به خود جلب کنند (و عدم توجه به خود را در دروس جبران کنند).

در این جا بدون آن که مستقیم وارد آنچه در مدارس اتفاق می افتد شویم، تلاش می شود که نقشی که این گونه فعالیت ها می تواند داشته باشد و در تجارب جهانی داشته بررسی شود.

در بسیاری از مدارس کشورهای پیشرفته نیز این گونه فعالیت ها وجود دارد. برخی از آن ها مستیما به برنامه درسی رسمی افزوده شده است و همه امکانات لازم برای اجرای آن فعالیت ها به عنوان برنامه اصلی فراهم می شود. فعالیت های ورزشی مانند شنا، بسکتبال، والیبال، فوتبال، و ...، فعالیت های هنری مانند موسیقی، هنر های نمایشی، و هنر های زیبا از جمله آن هاست (اگر چه امکان انتخاب نوع ورزش، موسیقی، و هنر داده شده است) و این فعالیت ها بخش عمده فضاها، هزینه ها، و وقت بچه ها می گیرد!! جمله اخیر را چند بار بخوانید و تأمل کنید. در این مئارس فعالیت های بسیار دیگری مانند انجمن ها و تشکل های دانش آموزی، و غیره هم فعال هستند.

در این جا به طور مشخص می خواهیم به نقش متفاوت و منحصر به فردی که فوق برنامه ها می توانند (با فرض وجود شرایطی که الزاما در حال حاضر در مدارس نیست) داشته باشند اشاره کنیم. ایفای نقش به وسیله فوق برنامه ها منوط به شرایط زیر است:

1. شرکت در آن ها کاملا اختیاری باشد.
2. تا حد امکان تنوع داشته باشد.
3. مبتنی بر درخواست و اعلام نیاز بچه ها باشد.
4. زمان کافی برای آن ها در اختیار بچه ها باشد.
5. امکانات کافی مورد نیاز آن برنامه در اختیار بچه ها باشد.
6. به خاطر شرکت در آن ها ملامت نشود و پیش شرط و پیامد برای آن ها تعریف نشود.
7. بچه ها در انتخاب نحوه به انجام رساندن، انجام دادن، یاد گرفتن، و مسیر رسیدن به هدف آزاد باشند.
8. نیروی متخصص در آن موضوع در دسترس بچه ها باشد.

در صورت وجود شرایط بالا انتظار می رود بچه ها با علافه و انگیزه از این فعالیت ها انتخاب و به انجام آن ها بپردازند. مدارس متاسفانه در مورد فوق برنامه ها هم نمی توانند از وسوسه تعیین تکلیف برای بچه ها و تشخیص صلاح آن ها! دست بردارند. علاوه بر این مدارس نگاهشان به این برنامه ها همان فوق برنامه است یعنی تنها وقتی ارزش دارد که بچه درش را بخواند در حالی که هیچ ملاک مشخصی نیست که نشان دهد آنچه در این فعالیت ها برای بچه ها حاصل می شود ارزشی کمتر از موضوعات درسی داشته باشد- که در واقع بسیاری آن ها را لازم تر می دانند.

وقتی مدارس ارزش اصلی را برای برنامه اصلی می گذارند و سرنوشت ارتقا، گرفتن جوایز، کسب احترام، و شان و شخصیت بچه ها به نمرات دروس رسمی بستگی دارد، چرا باید به فوق برنامه ها اهمیت دهند؟ مدارس که برای حل این مشکل این فعالیت ها را هم جزء برنامه اصلی می گذارند، برای آن ها هم نمره می گذارند، آن ها را در تشویق ها تاثیر می دهند، و اجباری می کنند، به نحو شگفت انگیزی دهل را از سر گشادش می زنند! بچه هایی که دروس اصلی را برای کسب نمره، کسب احترام، و شان اجتماعی و جایزه می خواندند و نه به دلیل نیاز به آن دروس و یادگرفتن آن دروس، با این تاکتیک مدارس شانس اینکه حد اقل برخی چیزها را به انتخاب خود و برای رسیدن به توانایی که احساس نیاز می کنند و با انگیزه درونی به واقع و عمیق (نه سطحی و برای نمره مانند دروس دیگر) بیاموزند را هم از دست می دهند.

در این جا باید سوالی را که ممکن است ذهن خواننده را مشغول کرده باشد، روشن کرد. با توضیحات بالا، چرا مدارس کشورهای پیشرفته برخی از همین فوق برنامه را در برنامه اصلی می گذارند؟ اولاً باید دکر کرد حتی اگر بخواهیم از اجباری کردن آن ها انتقاد کنیم، هنوز درک اهمیت ورزش، موسیقی، و هنر برای دانش آموزان و اختصاص زمان و امکانات غیر قابل تصور برای ما، برای آن ها اعجاب اور و تحسین بر انگیز است. علاوه بر این،

شرایط تحصیل، روش های آموزش، نوع برخورد معلم و مدرسه، و جایگاه آموزش در ساختار اجتماعی این جوامع به گونه ای است که تاثیرات منفی ساختار های از پیش تعیین شده را به حداقل رسانده است. مجال توضیح بیشتر این موضوع در این جا نیست و تنها به یک نکته اشاره می شود و آن احترام به افراد و عدم قضاوت در باره بچه ها در مدارس پیشرفته برای کم کردن تاثیر منفی این نوع آموزش است.

اگر فوق برنامه ها برخی خصوصیات ذکر شده در بالا را داشته باشند می توانند تحت نام آموزش های غیر رسمی طبقه بندی شوند. آشنایی با ادبیات آموزش های غیر رسمی باید در نوشتارهای مستقلی انجام شود. به طور خلاصه، از آموزش های غیر رسمی به عنوان روشهایی موثر تر و کارآمدتر برای آموزش نام برده می شود. رمز این تاثیر در مبتنی بودا این آموزش ها با نیاز افراد و لذا بر انگیزه درونی آنان است. بنابراین اگر فوق برنامه ها را با اهداف و روشهای زیر به کار گیریم، آموزشهای غیر رسمی را به عنوان ابزار موثری به کار گرفته ایم:

اهداف:

1. ایجاد مهارت های لازم در زندگی
2. توسعه فردی
3. شکوفایی استعدادها
4. یادگیری با انگیزه درونی
5. ارضا نیازهای آموزشی واقعی

روش:

1. انتخابی
2. متنوع

3. بدون ارزشیابی

4. بدون تاثیر در مسایل دیگر مدرسه

5. احترام به افراد بدون شرط

6. ترجیحاً روشهای غیر مستقیم

در این جا به موضوع اصلی این نوشتار می رسیم. آموزش غیر رسمی به مثابه فوق برنامه یا جایگزین برنامه رسمی؟

اگر چه تعریف دقیق آموزش غیر رسمی را به نوشتارهای دیگر سپرده ایم، به نحو اجمالی معلوم گردید که این آموزش مبتنی بر نیازهای فرد است، فرد با آگاهی آن را بر میگزیند، با انگیزه درونی به آن می پردازد، و نهایتاً بدون نیاز به ارزشیابی با رسیدن به هدف خود آن را به اتمام می رساند. آیا می توان تصور کرد که برنامه رسمی مدرسه و دروس را به شکل آموزش غیر رسمی در آورد؟ آیا می توان همه یا بخش مهمی از عناصر آموزش غیر رسمی را در برنامه رسمی مدرسه وارد کرد؟

در واقع جواب این سوال زیاد مشکل نیست ولی اجرای آن مشکل است. ابتدا باید تجارب مدارس که تلاش کرده اند تا فضای آموزشی را تا حد ممکن غیر رسمی (به معنی که اینجا آمده) کنند بررسی شود. این را هم به نوشتار دیگری می سپاریم.

آنچه در اینجا می توان اشاره کرد این است که آموزش غیر رسمی نوعی نگاه به آموزش است که اگر نگاه سنتی خود را به آموزش کنار بگذاریم می تواند نه تنها در فوق برنامه ها، که در اصل برنامه مدارس وارد شود. می توان بسیاری از درس ها را انتخابی کرد. مثلاً درسهایی که مستقیماً در سالهای بعد مورد مراجعه قرار نمی گیرد. می توان روش رسیدن به مقصد درسهایی را به دانش آموز واگذار کرد مثلاً درسهایی که کسب مهارتی در آن است مانند حرفه و فن. می توان برای برخی از مفاهیم پروژه هایی را تعریف کرد تا بچه ها خود آن را به سرانجام برسانند.

به طور خلاصه علاوه بر اینکه پیشنهاد می شود فوق برنامه ها را تبدیل به آموزش های غیر رسمی کنید ، عناصر بسیاری از آن را در برنامه رسمی به کار ببرید. دور نیست زمانی که آموزش های رسمی با تعریف موجود جای خود را به آموزش های غیر رسمی بدهند.